

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

برگرفته از: گلوبال ریسرچ، ۲۴ اگست ۲۰۲۲\*  
نویسنده: کالین تودهانتز\*\*  
برگردان: سایت «۱۰ مهر»  
۰۹ سپتمبر ۲۰۲۲

## بحران غذایی مهندسی شده و فقر برای تداوم تسلط امریکا



خلاف تصور بسیاری، امریکا نتیجه تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه را اشتباه محاسبه نکرده است. مایکل هادسون خاطر نشان می‌کند که قیمت‌های انرژی در حال افزایش است و به نفع شرکت‌های نفتی ایالات متحده و تراز پرداخت‌های ایالات متحده به عنوان صادرکننده انرژی است. علاوه بر این، با تحریم روسیه، هدف کاهش صادرات روسیه (گندم و گاز مورد استفاده برای تولید کود) و در نتیجه افزایش قیمت کالاهای کشاورزی است. این نیز به نفع ایالات متحده به عنوان یک صادرکننده محصولات کشاورزی خواهد بود. این گونه است که ایالات متحده به دنبال حفظ سلطه بر سایر کشورها است.

\*\*\*\*\*

در مارچ ۲۰۲۲، آنتونیو گوترش، دبیرکل ملل متحد، در پی بحران اوکراین، نسبت به «طوفان گرسنگی و فروپاشی سیستم غذایی جهانی» هشدار داد.

گوترش گفت که قیمت مواد غذایی، سوخت و کود با مختل شدن زنجیره تأمین به طور سرسام‌آوری افزایش یافته است و افزود که این به فقیرترین کشورها ضربه می‌زند و در سراسر جهان بذر بی‌ثباتی سیاسی و ناآرامی را می‌کارد. طبق گفته پانل بین‌المللی کارشناسان سیستم‌های غذایی پایدار، در حال حاضر غذای کافی وجود دارد و خطر کمبود عرضه جهانی غذا مطرح نیست. ما شاهد وفور مواد غذایی هستیم اما با قیمت‌های سرسام‌آور. موضوع کمبود مواد غذایی نیست، بلکه گمانه‌زنی بر روی کالاهای غذایی و دستکاری یک سیستم غذایی جهانی ذاتاً معیوب است که در خدمت منافع کنسرن‌های کشاورزی و واردکنندگان مواد اولیه به قیمت نیازهای مردم و امنیت غذایی واقعی است.

جنگ در اوکراین یک درگیری تجاری ژئوپلیتیک و انرژی است. این تا حد زیادی در مورد درگیر شدن ایالات متحده در جنگ نیابتی علیه روسیه و اروپا از طریق تلاش برای جدا کردن اروپا از روسیه و اعمال تحریم‌ها علیه روسیه برای آسیب رساندن به اروپا و وابستگی بیشتر آن به ایالات متحده است.

پروفیسور مایکل هادسون، اقتصاددان اخیراً اظهار داشت که در نهایت جنگ علیه اروپا و المان است. هدف از تحریم‌ها جلوگیری از افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری اروپا و سایر متحدان امریکا با روسیه و چین است.

سیاست‌های نئولیبرالی از دهه ۱۹۸۰ اقتصاد ایالات متحده را تهی کرده است. با تضعیف شدید پایگاه تولیدی آن، تنها راه ایالات متحده برای حفظ هژمونی، تضعیف چین و روسیه و تضعیف اروپا است.

هادسون می‌گوید که از یک سال پیش، بایدن و نئومحافظه‌کاران ایالات متحده تلاش کردند تا نورد استریم ۲ و تمامی تجارت (انرژی) با روسیه را مسدود کنند تا ایالات متحده بتواند آن را در انحصار خود درآورد. علی‌رغم این که «برنامه سبز» در حال حاضر تحت فشار قرار گرفته است، ایالات متحده برای نمایش قدرت خود در خارج از کشور همچنان به انرژی مبتنی بر سوخت فسیلی متکی است. حتی با دور شدن روسیه و چین از دلار، کنترل و قیمت‌گذاری نفت و گاز (و بدهی‌های ناشی از آن) به دلار، همچنان کلید تلاش‌های ایالات متحده برای حفظ هژمونی است.

ایالات متحده از قبل می‌دانست که تحریم‌ها علیه روسیه چگونه عمل می‌کند. آنها در خدمت تقسیم جهان به دو بلوک و دامن زدن به جنگ سرد جدید با ایالات متحده و اروپا از یک‌سو و چین و روسیه دو کشور اصلی از سوی دیگر خواهند بود. سیاست‌گذاران ایالات متحده می‌دانستند که اروپا از افزایش قیمت‌های انرژی و مواد غذایی ویران و کشورهای واردکننده غذا در جنوب جهانی به دلیل افزایش هزینه‌ها متضرر خواهند شد.

این اولین بار نیست که ایالات متحده برای حفظ هژمونی جهانی و افزایش قیمت کالاهای کلیدی که کشورها را در دام وابستگی و بدهی قرار می‌دهد، یک بحران بزرگ مهندسی می‌کند.

در سال ۲۰۰۹، اندرو گاوین مارشال توضیح داد که چگونه امریکا در سال ۱۹۷۳ - اندکی پس از خارج شدن از استاندارد طلا - هنری کیسینجر نقش مهمی در دستکاری رویدادهای خاورمیانه داشت (جنگ اعراب و اسرائیل و «انرژی»). این امر برای ایالات متحده، در خدمت تداوم هژمونی جهانی آن بود که عملاً خود را به دلیل جنگ در ویتنام ورشکست کرده بود و توسط رشد اقتصادی المان و جاپان تهدید می‌شد.

کیسینجر به افزایش عظیم قیمت نفت اوپک کمک کرد و از این طریق سود زیادی را برای شرکت‌های نفتی انگلیس - امریکائی که در نفت بحیره شمال از اهرم بیش از حد خود استفاده می‌کردند، تضمین کرد. او همچنین سیستم دلارهای نفتی را با کمک سعودی‌ها استحکام بخشید و متعاقباً کشورهای افریقائی را که مسیر صنعتی شدن (مبتنی بر نفت) را در پیش گرفته بودند، به دلیل جهش قیمت‌های نفت، بر روی چرخ عصاره‌ای وابستگی و بدهی قرار داد.

به‌طور گسترده اعتقاد بر این است که سیاست قیمت بالای نفت با هدف آسیب رساندن به اروپا، جاپان و کشورهای در حال توسعه بوده است.

امروز، ایالات متحده دوباره در حال جنگ با بخش‌های وسیعی از بشریت است، که هدف از فقیر کردن مردم این بخش‌هاست تا اطمینان حاصل شود آنها به ایالات متحده و مؤسسات مالی -- بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول -- که از آن‌ها برای ایجاد وابستگی و بدهی استفاده می‌شود وابسته باقی می‌مانند.

در نتیجه سیاست‌های ایالات متحده، صدها میلیون نفر فقر و گرسنگی را تجربه خواهند کرد (یا در حال تجربه) هستند. این افراد (کسانی که ظاهراً ایالات متحده و فایزر و همکاران، به آنها اهمیت زیادی می‌دادند و می‌خواستند به بازوی هر یک از آن‌ها سوزنی بزنند) در بازی بزرگ ژئوپلیتیک با تحقیر و آسیب‌های جانبی روبه‌رو می‌شوند.

خلاف تصور بسیاری، امریکا نتیجه تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه را اشتباه محاسبه نکرده است. مایکل هادسون خاطر نشان می‌کند که قیمت‌های انرژی در حال افزایش است و به‌نفع شرکت‌های نفتی ایالات متحده و تراز پرداخت‌های ایالات متحده به‌عنوان صادرکننده انرژی است. علاوه بر این، با تحریم روسیه، هدف کاهش صادرات روسیه (گندم و گاز مورد استفاده برای تولید کود) و در نتیجه افزایش قیمت کالاهای کشاورزی است. این نیز به‌نفع ایالات متحده به عنوان یک صادرکننده محصولات کشاورزی خواهد بود. این گونه است که ایالات متحده به‌دنبال حفظ سلطه بر سایر کشورها است.

### جنگ و «طوفان گرسنگی» - تغییر سیستم‌های غذایی

سیاست‌های فعلی برای ایجاد بحران غذا و بدهی برای کشورهای فقیرتر طراحی شده است. ایالات متحده می‌تواند از این بحران بدهی استفاده کند تا کشورها را مجبور سازد برای پرداخت بدهی‌های خود در قبال واردات نفت و مواد غذایی گران‌تر، به خصوصی‌سازی و فروش دارایی‌های عمومی خود ادامه دهند. این ستراتیژی امپریالیستی مبتنی بر وام‌های «کمک ناشی از کووید» است که اهداف مشابهی را دنبال کرده‌اند. در سال ۲۰۲۱، بررسی آکسفام از وام‌های کووید - ۱۹ صندوق بین‌المللی پول نشان داد که ۳۳ کشور افریقائی تشویق شدند تا سیاست‌های ریاضتی را دنبال کنند. فقیرترین کشورهای جهان قرار است در سال ۲۰۲۲، ۴۳ میلیارد دلار برای بازپرداخت بدهی بپردازند که اگر چنین نبود می‌توانستند با استفاده از این پول هزینه‌های واردات مواد غذایی خود را بپردازند.

آکسفام و توسعه فابینانس اینترنشنال همچنین فاش کرده اند که ۴۳ کشور از ۵۵ کشور عضو اتحادیه افریقای پنج سال آینده، با کاهش هزینه‌های عمومی به مبلغ ۱۸۳ میلیارد دلار مواجه خواهند شد.

بسته شدن اقتصاد جهانی در مارچ ۲۰۲۰ («قفل») باعث آغاز روند بی‌سابقه بدهی‌های جهانی شد. شرایط به این معنی است که دولت‌های ملی باید در برابر خواسته‌های مؤسسات مالی غربی تسلیم شوند. این بدهی‌ها عمدتاً به دالر است و به تقویت دالر امریکا و اهرم فشار امریکا بر کشورها کمک می‌کند.

ایالات متحده در حال ایجاد یک نظم جهانی جدید است و باید اطمینان حاصل کند که بخش اعظم جنوب جهانی در مدار نفوذ آن باقی می‌ماند نه این که در اردوگاه روسیه و به‌خصوص چین و برای شکوفائی اقتصادی، در «ابتکار کمربند جاده» قرار گیرد.

پس از کووید، جنگ در اوکراین، تحریم‌های روسیه و بحران مهندسی‌شده غذا و انرژی واقعاً ادامه همین سیاست و همین موضوع است.

در سال ۲۰۱۴، مایکل هادسون اظهار داشت که ایالات متحده توانسته است از طریق کشاورزی و کنترل بر عرضه مواد غذایی بر اکثر مناطق جنوب جهانی تسلط یابد. ستراتیژی وام‌دهی ژئوپلیتیک بانک جهانی با متقاعد کردن کشورهای آن به کشت محصولات نقدی - مزارع با محصولات صادراتی - آنان را به مناطقی با کمبود مواد غذایی تبدیل کرده است تا خود را با محصولات غذایی خود تغذیه نکنند.

بخش نفت و تجارت کشاورزی به‌عنوان بخشی از ستراتیژی ژئوپلیتیک ایالات متحده در هم ادغام و به هم پیوسته‌اند. مفهوم غالب «امنیت غذایی» که توسط بازیگران جهانی تجارت کشاورزی مانند کارگیل، آرچر دانیل میدلند، بانج و لوئیس دریفوس ترویج و توسط بانک جهانی حمایت می‌شود، مبتنی بر توانائی مردم و ملت‌ها برای خرید غذا است. این ربطی به خودکفائی ندارد و همه چیز مربوط به بازارهای جهانی و زنجیره‌های عرضه تحت کنترل بازیگران غول‌پیکر تجارت کشاورزی است.

در کنار نفت، کنترل کشاورزی جهانی برای چندین دهه یکی از محورهای ستراتیژی ژئوپلیتیک ایالات متحده بوده است. انقلاب سبز به لطف منافع نفتخیز صادر شد و کشورهای فقیرتر مدل کشاورزی وابسته به مواد کیمیائی و نفتی سرمایه کشاورزی را پذیرفتند که برای نهاده‌ها و توسعه زیرساخت‌های مرتبط، محتاج به اعتبار و وام بود.

این امر مستلزم به دام انداختن کشورها در یک سیستم غذائی جهانی شده است که برای کسب ارز خارجی مرتبط با بازپرداخت بدهی دالری و سیاست‌های «تعدیل ساختاری» بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، به کشت تک محصولی صادراتی متکی است. آنچه ما شاهد آن بوده‌ایم تبدیل بسیاری از کشورها از خودکفائی غذائی به مناطق کمبود غذائی بوده است.

و آنچه ما همچنین دیدیم این است که کشورها روی چرخ‌های عصاره‌ای تولید محصولات کشاورزی قرار می‌گیرند. نیاز به ارز خارجی (دالر امریکا) برای خرید نفت و مواد غذائی، نیاز به افزایش تولید محصول برای صادرات را تقویت می‌کند و این چرخه همینطور می‌چرخد.

توافقنامه سازمان تجارت جهانی در مورد کشاورزی (AoA) رژیم تجاری لازم برای این نوع وابستگی شرکتی را که به عنوان «امنیت غذائی جهانی» ظاهر می‌شود، تعیین می‌کند.

این در گزارش جولای ۲۰۲۲ توسط Navdanya International نودانیا انترنشنال توضیح داده شده است - کاشت گرسنگی، درو کردن سود - یک بحران غذائی طراحی شده - که یادآور می‌شود قوانین تجارت بین‌المللی و آزادسازی تجارت به‌نفع کسب و کارهای کشاورزی بزرگ بوده و اجازه می‌دهد همچنان به سواری مجانی از اجرای انقلاب سبز ادامه دهند.

در این گزارش آمده است که مذاکرات لابی و تجاری ایالات متحده توسط مدیر عامل سابق سرویس سرمایه‌گذاران کارگیل Cargill Investors Service و مدیر اجرایی گلدمن ساکس - دن آمستوتز - که توسط رونالد ریگان در سال ۱۹۸۸ به‌عنوان مذاکره‌کننده ارشد برای دور اروگونه گات منصوب شد، رهبری می‌شد. این امر به تثبیت منافع تجارت کشاورزی ایالات متحده در قوانین جدیدی که بر تجارت جهانی کالاها و امواج بعدی گسترش کشاورزی صنعتی حاکم است کمک کرد.

AoA حفاظت از کشاورزان را از قیمت‌ها و نوسانات بازار جهانی حذف کرد. در همان زمان، استثنائاتی برای ایالات متحده و اتحادیه اروپا در نظر گرفته شد تا به کشاورزی خود به‌نفع تجارت بزرگ کشاورزی، یارانه بدهند.

نودانیا خاطر نشان می‌کند: «با حذف حمایت‌ها و یارانه‌های تعرفه‌های دولتی، کشاورزان کوچک فقیر شدند. نتیجه نابرابری در میزان درآمد کشاورزان برای آنچه تولید می‌کنند، در مقابل آنچه مصرف‌کنندگان می‌پردازند، بوده است، به‌گونه‌ای که کشاورزان درآمد کمتری دارند و مصرف‌کنندگان بیشتر پرداخت می‌کنند، زیرا واسطه‌های کسب‌وکار کشاورزی بیشترین سهم را به خود اختصاص می‌دهند.»

«امنیت غذائی» به از بین بردن حاکمیت غذائی و خودکفائی غذائی به‌خاطر یکپارچگی بازار جهانی و قدرت شرکت‌ها منجر شده است. ما نیازی به نگاهی فراتر از هند نداریم تا این را در عمل ببینیم. قوانین اخیر مزرعه در هند که اکنون لغو شده است، با هدف ارائه «شوگ درمانی» نئولیبرالیسم به کشور است که سایر کشورها تجربه کرده‌اند.

قانون «آزادسازی» تا حدی با هدف سود بردن منافع تجارت کشاورزی ایالات متحده و کشاندن هند به ناامنی غذائی از طریق وادار کردن این کشور به از بین بردن ذخایر عظیم غذائی خود - که برای امنیت غذائی کشور بسیار حیاتی است - و سپس تأمین غذا در بازار بی‌ثبات جهانی از بازرگانان تجارت کشاورزی با ذخایر ارزی آن. دولت هند تنها با اعتراض گسترده و یک‌ساله دهقانان از رفتن به این مسیر منع شد.

بحران فعلی نیز به حدس و گمان دامن می‌زند. ناودانیا به تحقیقات Lighthouse Reports و The Wire اشاره می‌کند تا نشان دهد که چگونه سفته‌بازی توسط شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و صندوق‌های تأمین بر روی کالاها کشاورزی، از افزایش قیمت مواد غذایی سود می‌برند. قیمت‌های آتی کالاها دیگر ارتباطی با عرضه و تقاضای واقعی در بازار ندارند، بلکه صرفاً بر اساس حدس و گمان هستند.

آرچر دنیلز میدلند، بانج، کارگیل و لوئیس دریفوس و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مانند بلک راک و ونگارد همچنان به کشتار عظیم مالی ادامه می‌دهند که در نتیجه آن قیمت نان در برخی از کشورهای فقیر تقریباً دو برابر می‌شود.

«رامحل» دبیدانای که توسط تجارت جهانی کشاورزی برای بحران کنونی غذا ترویج می‌شود، ترغیب کشاورزان به تولید بیشتر و جست و جوی محصول بهتر است، گوئی که بحران ناشی از کمبود تولید است. این به معنای ورودی‌های کیمیائی بیشتر، تکنیک‌های مهندسی ژنتیک بیشتر و مواردی از این دست است که کشاورزان بیشتری را در بدهی‌های بیشتری فرو می‌برد و در دام وابستگی گرفتار می‌کند.

این همان دروغ قدیمی صنعت است که جهان بدون محصولاتش گرسنه خواهد ماند و به تعداد بیشتری از آن نیاز دارد. واقعیت این است که جهان به دلیل سیستمی که تجارت بزرگ کشاورزی ایجاد کرده است، با گرسنگی و افزایش قیمت مواد غذایی مواجه است. و این همان دروغ قدیمی است - بیرون راندن فناوری‌های جدید در جست و جوی یک مشکل و سپس استفاده از بحران‌ها به عنوان توجیهی برای عرضه آنها در حالی که دلایل اساسی چنین بحران‌هایی را نادیده می‌گیرند.

ناودانیا راه‌های حل ممکن برای وضعیت فعلی را بر اساس اصول آگرواکولوژی، خطوط عرضه کوتاه، حاکمیت غذایی و دموکراسی اقتصادی ارائه می‌کند - سیاست‌هایی که طی سال‌ها در بسیاری از مقالات و گزارش‌های رسمی شرح داده شده‌اند.

در مورد مبارزه با حمله به استانداردهای زندگی مردم عادی، حمایت از جنبش کارگری در مکان‌هایی مانند بریتانیا گسترش می‌یابد. رهبر اتحادیه راه آهن، میک لینچ، خواستار جنبش طبقه کارگر مبتنی بر همبستگی و آگاهی طبقاتی برای مقابله با طبقه میلیاردر است که بشدت از منافع طبقاتی خود آگاه است.

برای مدت‌های طولانی، «طبقه» در جریان اصلی گفتمان سیاسی غایب بوده است. تنها از طریق اعتراض سازمان‌یافته و متحد است که مردم عادی این فرصت را دارند تا علیه نظم نوین جهانی، اقتدارگرایی ظالمانه و حملات ویرانگر به حقوق، معیشت و استانداردهای زندگی مردم عادی که ما شاهد آن هستیم، تأثیر معناداری بر جای گذارند.

\*\*\*\*\*

\* <https://www.globalresearch.ca/engineered-food-poverty-crisis-secure-continued-us-dominance/5790815>

\*\* نویسنده مشهور "کالین تودهانتر" در توسعه، غذا و کشاورزی تخصص دارد. او یکی از همکاران پژوهشی مرکز تحقیقات جهانی شدن (CRG) در مونتریال است.